یکی از مسائلی که در سلوک الی الله کلید است. مسئله حفظ نور است. سالکی در راه عرفان موفق است که نور اعمال و عبادات خویش را با ظلمت گناه از بین نبرد. اما توجه داشته باشید که انوار عبادات و اعمال فقط با گناه نکردن حفظ نمی‌شود. بلکه راه‌های دیگری نیز برای حفظ انوار اعمال در محل وجود دارد. یکی از مسائلی که در حیطه دین پژوهی و سلوک کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد مسئله جغرافیای ادیان است

ابتدا یاد آوری چند نکته: پیشتر گفتیم که اذکار و عبادات داری نور می‌باشند.

و هر ذکری و عبادتی نور مخصوص به خود را دارا می‌باشد. و همچنین گفتیم که انوار عبادات ادیان مختلف با یکدیگر متفاوت است. و حتی گفتیم که نور عبادات شیعه و اهل سنت به علت وضوی متفاوت تا حدی با یکدیگر فرق دارند.

حال نکته‌ای در باب جغرافیای ادیان: عزیزان توجه نمایند که عالم اسلام مرکز تجمع انوار جهان اسلام است. زیرا از گذشته‌هایی بسیار دور مسلمین در بلاد اسلامی در حال عبادت و تولید انوار جهان اسلام هستند.

حال با توجه به دروس تشابه انوار، که در آن گفته شد رشته‌های انوار بر اساس تشابه رنگ و طیف نوری، در عالم مثال به یکدیگر می‌پیوندند.

عزیزان بدانند که بر همین اساس ادیان هم دارای جغرافیا می‌باشند.

که این جغرافیا با سیر تغییر و تحول تاریخی ادیان ارتباط معنا دار دارد.

یعنی پذیرش کامل یک دین جدید و نسخ کامل دین قبلی در یک جغرافیا که سال‌ها مربوط به دینی دیگر بوده است. سال‌ها زمان می‌برد.

زیرا باید سال‌ها انوار عبادت آن دین جدید در آن منطقه جغرافیایی تجمع پیدا نماید. تا بر نور دین سابق کاملا غلبه نماید.

اسلام و یهودیت مهمترین ادیانی می‌باشند که ادعیه و اذکار و نمازهایشان همگی به زبان وحی خوانده می‌شود. (مسلمین به عربی، یهودیان به عبری) اما مسیحیان جهان، انجیل را عمدتا به زبان ترجمه می‌خوانند. (بعضی دعاها را به آرامی نیز می‌خوانند) به همین دلیل علی رغم جمعیت بالا مسیحیت از نظر معنوی ضعیف می‌باشد. زیرا پیوند انوار ادعیه مسیحیان به یکدیگر دچار مشکل است. (زرتشتیان نیز سرودهای اوستا را به زبان اوستایی می‌خوانند)

وجود قبله مشترک ما مسلمین و نماز و اذکار به زبان عربی باعث پیوست رشته‌های نوری حاصل از این نمازها و اذکار در عالم مثال به یکدیگر می‌شود.

نوری که با طیف‌های مختلف رنگ سبز به یکدیگر می‌پیوندد و مجموعه نور معنوی جهان اسلام را تشکیل می‌دهد. (ممکن است عده‌ای نور اذکار اسلامی را به صورت رنگ‌های مختلف نظیر زرد یا سرخ و.... ببینند این انوار، در مرتبه ابتدایی عالم مثال اینگونه به شهود سالک در می‌آید. ولی در مرحله بعدی در عالم مثال رنگ سبز به خود می‌گیرد)

علی رغم شباهت انوار مسلمین به یکدیگر

نور معنوی جهان اسلام نیز در عالم مثال تمایزاتی با یکدیگر دارد.

وقتی پیروان یک سلسله صوفیه نظیر قادریه یا نعمت اللهیه و... به انجام روزانه یک سری اذکار و اوراد مشترک مشغول هستند.

انوار. حاصل از این اذکار و اوراد مشترک (در صورت کثرت پیروان این سلاسل) در عالم مثال به یکدیگر می‌پیوندد.

و مجموع نور آن سلسله خاص را به وجود می‌آورد که جزء زیر مجموعه انوار جهان اسلام می‌باشد.

مریدانی که در این سلاسل سلوک می‌نمایند. با انجام این دستورات تولید نور برای سلسله خویش می‌نمایند و به قدرت نوری سلسله خویش می‌افزایند. و خود نیز با پیوند نوری با نور آن سلسله خاص از نور آن سلسله که توسط سایر مریدان ایجاد می‌شود بر خوردار می‌شوند.

توجه داشته باشید که یک سالک شیعه که وضو به طریق شیعه می‌گیرد. با چنین وضویی به تمام اعمال عبادی (نماز، ذکر، قرائت قرآن، ادعیه) خود رنگ شیعی می‌بخشد.

تمام اعمال عبادی نامبرده شده با وضو به طریق تشیع، انوار ناشی از آن طیفی از نور سبز را در عالم مثال ایجاد می‌نماید که رنگ شیعه نامیده می‌شود.

و تمامی اعمال اهل سنت نیز (نماز، ذکر و قرائت قرآن و ادعیه) با وضو به طریق اهل سنت، انواری را در عالم مثال ایجاد می‌نماید که این انوار نیز طیفی متفاوت از نور سبز را ایجاد می‌نماید که نور اهل سنت نامیده می‌شود.

در بعضی شاخه‌های طرق صوفیه اهل سنت نظیر نقشبندیه و قادریه، که شیعیان را نیز به مریدی می‌پذیرند. بعضا از مریدان شیعه درخواست می‌شود، که پای خود را هنگام وضو بشویند.

یکی از علل چنین در خواستی مسئله تشابه انوار است. وقتی سالکی شیعی که به اذکار و اوراد چنین سلاسلی مداومت دارد. با وضو گرفتن به طریق شیعه، نور اذکاری که بر آن مداومت دارد، شکل شیعی به خود می‌گیرد. اگر چه این اذکار با اذکار سایر برادران طریقتی وی که عموما اهل سنت هستند. یکسان است، و از این جهت نور اذکار شبیه به هم است ; ولی بدلیل وضوی متفاوت، کمی تفاوت نوری به وجود می‌آید.

و در روند پیوستن انوار مریدان شیعه این سلاسل به انوار سایر برادران طریق کمی اختلال بوجود می‌آید.

در نتیجه سلسله مربوطه نمی‌تواند از نور این مرید، استفاده کامل را ببرد و این مرید نیز نمی‌تواند از نور آن سلسله مربوطه استفاده کامل را ببرد.

فقیر بالشخصه موافق گسترش سلاسل صوفیه در جهان اهل سنت می‌باشم، زیرا تشابه بسیاری در عقاید با ما شیعیان دارند. و گسترش این سلاسل در جهان اهل سنت حرکتی است مقابل حرکت جریان سلفیت و وهابیت.

طرق صوفیه اهل سنت علاوه بر اعتقاد داشتن به خلفا، به امامان شیعه نیز اعتقاد دارند و در خطبه‌ها و مراسم‌های خویش نام ائمه را نیز می‌برند. عده‌ای از معاصرین ما از این جریان صوفیه اهل سنت به تسنن دوازده امامی تعبیر می‌نمایند.

به همین دلیل وهابیان علاوه بر تشیع، تصوف را نیز مورد حملات خویش قرار می‌دهند.

نکته ۱: حال عزیزان بدانند که چرا عده‌ای از فقها سکونت در بلاد کفار را جز به ضرورت حرام می‌دانند. زیرا این تاثیر انوار ادیان دیگر و یا کمبود نور افقی اسلام در آن بلاد باعث فاصله گرفتن عده‌ای از دین مبین اسلام می‌شود.

افرادی که بتوانند در این بلاد حفظ شریعت کنند مورد الطاف بیشتری قرار می‌گیرند. اما با این حال بدلیل کمبود نور اسلام در این بلاد، معمولا سرعت سیر کندتر خواهد بود.

البته همیشه استثنا در این باب وجود دارد.

ضمن اینکه عده‌ای از آقایان خود به چنین مسائلی عمل نمی‌نمایند و برای درمان علی رغم بودن بیمارستان‌های مجهز در کشور ایران، به بلاد کفر می‌روند. و همچنین عده‌ای از آقازادگان نیز در بلاد کفر به تحصیلات عالیه می‌پردازند و یا ساکن هستند.

نکته ۲: فقیر مقصد بعضی از روش‌های نامبرده شده در بالا را رسیدن به حق تبارک تعالی نمی‌دانم و نسبت به آنان انتقاداتی دارم که اکنون جای آن نیست. همچنین رسیدن به مقام قرب قاب قوسین او ادنی فقط برای پیروان شریعت حضرت ختمی مرتبت میسر است. که رشته محبت شاه اولیا علی (ع) و اولاد او در این راه عروة الوثقی است. بنابراین بر خلاف عده‌ای که قائل به آن هستند که پیرو هر دین و مسلکی که باشید به مقصد و مقصود خواهید رسید. فقیر با این دسته اختلاف نظر دارم. علاوه بر اینکه خود عرفای مسلمان نیز همین اعتقاد را دارند. بلکه آثار عرفای بزرگ جهان اسلام در دست است. کافی است با آثار ادیان دیگر و عرفای آن مقایسه شود.

نکته ۳: هر چقدر که سالکی به محل تجمع انوار دین و مذهب خویش نزدیک‌تر باشد. بنا به پیوند رشته‌های انوار اذکار وی با سایر انوار مشابه، احتمال مکاشفات عالیه برای وی بیشتر است.

و سالکینی که در غیر جغرافیای دین خویش به سلوک می‌پردازند مکاشفات و مشاهدات کمتری برای آنان رخ می‌دهد.

یکی از مسائلی که در حیطه دین پژوهی و سلوک کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد مسئله جغرافیای ادیان است

ابتدا یاد آوری چند نکته: پیشتر گفتیم که اذکار و عبادات داری نور می‌باشند.

و هر ذکری و عبادتی نور مخصوص به خود را دارا می‌باشد. و همچنین گفتیم که انوار عبادات ادیان مختلف با یکدیگر متفاوت است. و حتی گفتیم که نور عبادات شیعه و اهل سنت به علت وضوی متفاوت تا حدی با یکدیگر فرق دارند.

حال نکته‌ای در باب جغرافیای ادیان: عزیزان توجه نمایند که عالم اسلام مرکز تجمع انوار جهان اسلام است. زیرا از گذشته‌هایی بسیار دور مسلمین در بلاد اسلامی در حال عبادت و تولید انوار جهان اسلام هستند.

حال با توجه به دروس تشابه انوار، که در آن گفته شد رشته‌های انوار بر اساس تشابه رنگ و طیف نوری، در عالم مثال به یکدیگر می‌پیوندند.

عزیزان بدانند که بر همین اساس ادیان هم دارای جغرافیا می‌باشند.

که این جغرافیا با سیر تغییر و تحول تاریخی ادیان ارتباط معنا دار دارد.

یعنی پذیرش کامل یک دین جدید و نسخ کامل دین قبلی در یک جغرافیا که سال‌ها مربوط به دینی دیگر بوده است. سال‌ها زمان می‌برد.

زیرا باید سال‌ها انوار عبادت آن دین جدید در آن منطقه جغرافیایی تجمع پیدا نماید. تا بر نور دین سابق کاملا غلبه نماید.

بر اساس معماری مهرابه‌ها بوده است که صوفیان در شکل ساختمان خانقاه‌های خویش، چله خانه و خلوت خانه را به صورت فضای کوچکی می‌ساختند و معمولا در جلوی آن پرده‌ای آویخته می‌شده است. تا سالکین هنگامی که در آن به ذکر می‌پردازند. انوار در همان محل خلوت بماند. و محل خلوت نورانی‌تر شود.

نکته ۱: در داستان شیخ علاالدوله سمنانی که از نفحات نقل شد که وی (سمنانی) در خلوت جنید بغدادی ذوق بیشتری، نسبت به مزار وی (جنید) می یافت. هم علت این امر، به نظر فقیر بیشتر همین مسئله حفظ نور است. زیرا انوار ذکر در خلوت تا سالیان سال باقی می‌مانند بخصوص آنکه اگر این انوار تمدید شود. و انوار خلوت جنید سال‌های سال توسط صوفیان صافی که در آن محل خلوت می‌کردند تمدید می‌شد.

نکته ۲: صوفیان در خلوت خانه‌های خانقاه‌ها معمولا تنها به یک ذکر (خفی) می‌پرداختند. (معمولا ذکر لااله الا اللّٰه)

و پرداختن به اذکار مختلف و متفاوت را جز در تعقیبات نمازهای یومیه درست نمی‌دانستند. و از نظر آنان پرداختن به اذکار متفاوت، باعث به تاخیر افتادن باب مکاشفات و مشاهدات بوده است.

حق با صوفیان است. زیرا اذکار متفاوت دارای انوار متفاوت می‌باشد. و این انوار متفاوت روند رسیدن به کشف کلی را به تاخیر می‌اندازد.

ساخت بنای معابد مهری در دل کوه و در درون غارها این امکان را به مغان مهری می‌داده است که انوار حاصل از عبادات خویش را در آن حفظ نمایند. زیرا نور عبادات اگر چه لطیف و مثالی است. اما با این حال نمی‌تواند از اشیاء ضخیم عبور نماید. و بخش زیادی از انوار در بر خورد با اجسام ضخیم در محل تولید نور باقی می‌ماند.

مهرابه‌ها در غارها یا در دل زمین ساخته می‌شد و معمولا یک در ورودی بزرگ داشت. و بعضا کانال‌هایی برای عبور هوا و آب داشت.

مغان در درون این مهرابه‌ها ریاضات می‌کشیدند. انوار حاصل از این ریاضات و عبادات چون راه چندانی به بیرون نداشت. اکثرا در محل مربوطه حفظ می‌شد. و این مسئله باعث می‌شد که به مرور زمان نورانیت آن مکان افزایش یابد. و انواری که با سال‌ها عبادت، در آن محل ایجاد می‌شد، در آنجا تجمع و حفظ شود.در نتیجه سالکین جدیدی که به آن محل برای سلوک راه و رسم مهری وارد می‌شدند. سرعت سیرشان سریع‌تر می‌شد.

و این نور حتی پس از تخریب اکثر مهرابه‌ها در دوران قدرت موبدان زرتشتی در ایران و حتی پس از آن یعنی در دوره اسلامی نیز در محل باقی بوده است.